

در باره مصاحب دانشنامه نگار، مصاحب ریاضی دان، مصاحب صاحب منصب، مصاحب محقق، مصاحب مؤلف، مصاحب نویسنده و مصاحب مجله نگار<sup>۱</sup> سخن ها گفته اند و نوشته ها به چاپ سپرده اند. آنچه که در نگاشته های پیشینیان نیست و سبب نگارش این وجیزه شد کارنامه روزنامه نگاری اوست. غلامحسین مصاحب (۱۲۸۹ - ۱۳۵۸) تا شهریور ۱۳۲۰ سالهایی از عمرش را با مجله داری و مجله نگاری و همکاری قلمی با شماری از مطبوعات سپری کرد. اما پس از شهریور ۱۳۲۰ در صدد برآمد که به طور حرفه ای به روزنامه داری و روزنامه نگاری بپردازد. از این رو درخواست و مدارک لازم را به وزارت فرهنگ تسلیم کرد و شورای عالی فرهنگ «در جلسه مورخ ۱۳۲۱/۱۲/۱۸ امتیاز روزنامه برق را به نام آقای غلامحسین مصاحب تصویب نمود». همان روز دکتر علی اکبر سیاسی وزیر وقت فرهنگ در نامه ای به اداره کل

---

۱. غلامحسین مصاحب در آبان ۱۳۰۹ خورشیدی مجله ریاضیات عالی و مقدماتی را در تهران انتشار داد. یازده شماره سال اول و شماره های اول و دوم سال دوم این مجله در مخزن هفتم کتابخانه مرکزی و مرکز استاد دانشگاه تهران موجود است. نکته جالب توجه این است که غلامحسین مصاحب در ۱۳۰۹ بیست ساله بوده و براساس بند ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات در آن روزگار، شورای عالی معارف به کسی «امتیاز» نشریه می داده که «سنش به سی سال بالغ باشد»!

شهربانی نوشت: «چاپ و انتشار روزنامه برق در تهران به مدیری و سردبیری خود ایشان [غلامحسین مصاحب] مانعی ندارد».

از فردای آن روز مصاحب تلاش خود را برای انتشار روزنامه آغاز کرد و از بستگان خود مددخواست. نخستین جلسات راه‌اندازی روزنامه برق در منزل مصاحب که در آن روزگار در تهران، خیابان فرهنگ، کوچه عباسی، نمره ۱۶ قرار داشت، بر پا شد. اما مصاحب به زودی دریافت که نمی‌تواند در خانه کار را به سامان برساند. از این رو، در خیابان لاله‌زار در طبقه دوم یک ساختمان، دو اتاق تو در تو اجاره کرد و با مدیر چاپخانه طلوع (واقع در کوچه طبس) برای چاپ روزنامه به تفاهم رسید. مدیر چاپخانه طلوع به مصاحب گفت چاپ روزنامه را بر عهده می‌گیرد اما نمی‌تواند کاغذ روزنامه را تهیه کند. مصاحب نیز به ناچار برای تأمین کاغذ در ۲۵ اسفند ۱۳۲۲ به علی سهیلی نخست‌وزیر وقت نامه نوشت و درخواست کرد که از محل کاغذهای موجود در انبار «اداره پخش کالاهای متفرقه وزارت خواربار» که در رأسش سیدمحمد تدین بود کاغذ مورد نیاز را در اختیار او قرار دهند.

پس از دو ماه و نیم دوندگی بالاخره مصاحب برای انتشار چند شماره کاغذ روزنامه را تهیه کرد و با همکاری محمود (برادرش)، شمس‌الملوک و اشرف‌الملوک (خواهرانش) و نیز محمدعلی سفری<sup>۱</sup> تنها عضو حقوق بگیر روزنامه، نخستین شماره برق را در قطع  $۵۰ \times ۳۵$  در ۲ صفحه و با تک نسخه یک ریال<sup>۳</sup> در تاریخ چهارشنبه ۴ خرداد ۱۳۲۲ انتشار داد. در «آغاز سخن» اولین شماره روزنامه برق مصاحب نوشت: «ما معتقدیم که قدرت مادی و معنوی یک کشور موقوف به وحدت و یگانگی افراد آن کشور است و بزرگترین عوامل انحطاط یک قوم نفاق و اختلاف بین افراد آن است.»

۱. زنده یاد سفری در گفت و گویی با نگارنده گفت: «مطالب را من به مطبعه می‌بردم. حروفچین می‌چید. خودم غلط‌گیری می‌کردم وقتی چاپ می‌شد زیر بغلم می‌گرفتم و می‌بردم توزیع تا حاج محمد سقا به روزنامه فروش‌های خودش بدهد. بقیه را به دفتر می‌آوردم و در دفتر نشریه، تمیر می‌زدیم و پست می‌کردیم».

۲. قطع روزنامه برق از شماره نخست (۴ خرداد ۱۳۲۲) تا شماره ۵۴ (چهارشنبه ۵ مرداد ۱۳۲۲)  $۵۰ \times ۳۵$  سانتیمتر و از شماره ۵۵ (۶ مرداد ۱۳۲۲) تا شماره ۷۹ (۹ شهریور ۱۳۲۲)  $۴۵ \times ۳۵$  سانتیمتر و از شماره ۸۰ (۵ آذر ۱۳۲۲) به بعد  $۴۵ \times ۳۰$  سانتیمتر است.

۳. «وجه اشتراک سالیانه» را ۳۰۰ ریال و «بهای آگهی صفحه اول سطری ۱۰ ریال و صفحه دوم سطری ۸ ریال» تعیین شده است.



متأسفانه امروز همین عوامل انحطاط بر ایرانیان حکمفرماست و اختلافات زیادی در تمام شئون زندگی مادی و معنوی آنان دیده می‌شود حتی آنهایی هم که عشقی جز خدمت به وطن ندارند دچار تشتت آراء شدیدی هستند. تشخیص علل اساسی این بدبختی و چاره‌جویی در رفع آن موضوعی است که بعدها به تفصیل در آن بحث خواهیم کرد ولی قدر مسلم این است که اگر رویه فعلی ادامه پیدا کند نتیجه قطعی آن برای ایران و ایرانیان به حدی تلخ و ناگوار است که یک ایرانی شرافتمند حتی به گفتن یا نوشتن آن تن در نمی‌دهد.

پس برای اینکه وطن ما از ورطه هولناکی که بدان دچار است خلاصی یابد و امید تجدید مجدد و عظمت آن به طوری که شایسته دنیای امروزی است بیش از این در مرحله خیال نمانده قدم به علم حقیقت نهد تنها یک راه متصور است و آن این است که تمام افراد و مقامات کشور ظاهراً و باطناً دست یگانگی به یکدیگر داده در راه ترقی و تعالی ایران بکوشند و همه چیز را فدای مصالح آن نمایند.

روزنامه برق مبلغ این مرام مقدس یعنی وحدت کامل ایرانیان است و در راه نیل به آن با تمام وسایل ممکنه مجاهده و مبارزه می‌نماید<sup>۱</sup>. روزنامه برق افزون بر مقاله‌ها، گزارشها، «اخبار



داخله» و «اقتباس از مطبوعات خارجی» ستون‌هایی با این عنوانها داشت: «مردم می‌گویند»: نگارش «مخبر مخصوص برق»، «جوابهای ما» از «منشی مخصوص برق»، «ادبی»، «گزارش مخبر مخصوص برق»، «در جلسه خصوصی مجلس» و...

پاره‌ای از مقاله‌های غلامحسین مصاحب نیز این تیتراها را دارند: «شرح درد»، «اعلیحضرتا»، «بزرگترین قدم در اصلاحات اساسی»، «اما فراموش شده‌ها»، «ما و دولت»، «اخراج مستخدمین»، «ضد و نقیض»، «جریان کار مهندسیین و استادان»، «تشتت افکار»، «تلقین نفاق (۱) چرا تخم نفاق را پراکنده‌اند»، «تلقین نفاق (۲) سرباز و سیویل»، «فترت بیست ساله»، «مسئولین حقیقی انحطاط کشور»، «آقای سهیلی طرفدار آزادی انتخابات است»، «تا فردا خدا بزرگ است»، «می‌گوییم و می‌پرسیم»، «اولین شکست»، «سیدضیاءالدین»، «حرفهای کهنه و نو: علل تزلزل ایمان مذهبی»، «تبلیغات»، «هنوز امیدی هست»، «محرمانه به روزنامه‌نویسها عرض می‌کنم»، «گله زمامداران»، «این خون‌ها به گردن کیست؟»، «اشرار شهری»، «چرا از روزنامه‌ها می‌ترسند»، «کناره بی‌کفایتی دولت را باید روزنامه‌نویس‌ها بدهند»، «با ما چه می‌کنند؟»، «آیا شاه می‌شنود؟»، «به دشمنان روزنامه‌ها»، «دین اسلام حکومت عقل است»، «جراید و مجلس»: «توضیحات راجع به نطق دشتی»، «اعتماد نداریم و بدبینی ما موجه است: سخنان دکتر میلسپو یا دم خروس؟»، «این لوایح برای پوشاندن فجایع زمامداران کافی نیست»، «مسلمانی ما»، «زمامداران ما»، «مهمانان عزیز با استقلال ما بازی می‌کنند: باید کاخ ایض و بهارستان را بر سر خائنین خراب کرد»، «سهیلی هیچ عذری ندارد»، «ملت هم هیچ عذری ندارد»، «بدون تعارف شهربانی خوب کار نمی‌کند» و...

مصاحب علاوه بر مقاله‌های بلند، کوتاه نوشته‌هایی نیز در روزنامه برق دارد، که دو نمونه آنها در پی نقل می‌شود:

۱. «به طوری که شنیده‌ایم دولت فردا لایحه‌ای راجع به مطبوعات به مجلس خواهد بُرد. اینک بر مردم ایران است که در مجلس فردا چشمهای خود را باز کنند تا خائنین به آزادی و قانون اساسی و مشروطیت را بشناسند و در موقع انتخابات از رأی دادن به آنها خودداری کنند»<sup>۱</sup>.
  ۲. «ای ملت ایران! نمایندگان مجلس به قرآن مجید سوگند یاد کرده‌اند که به حقوق ملت ایران خیانت نکنند. مقدسترین حقوق ملت آزادی قلم و بیان است. اینک چشم باز کنید و خائنین به حقوق مردم و کشور را بشناسید!
- آقایان نمایندگان! شما سوگند یاد کرده‌اید که به حقوق ملت ایران خیانت نکنید. بالاترین



● سیدفرید فاشمی (عکس از رضا خندکدار)

حقوق ملت آزادی قلم و بیان است. ما به نام شهدای راه آزادی و خونهایی که در راه مشروطیت ریخته شده از شما می‌خواهیم که به سرگند خود وفادار باشید!<sup>۱</sup>

افزون بر غلامحسین مصاحب، نوشته‌ها و ترجمه‌هایی از شمس‌الملوک مصاحب، حسن روستا، علی‌اکبر اعلم، محمود مصاحب، حسن جوادی، منوچهر اعظم، بختیار، خالصی‌زاده و شماری دیگر را در دوره روزنامه برق می‌توان خواند. آثار فریبی پاره‌ای از مطالب نیز با نام‌های پوشیده «رهگذر»، «شب بو»، «آسمان»، «جرقه»، «افسانه» و «آفتاب» به چاپ رسیده است.

برق از روزنامه‌های نسبتاً تند آن روزگار بود و به علت مخالفت‌هایش با سیاست‌های دولت بارها توقیف شد. درباره یکی از توقیف‌ها مصاحب ذیل «توقیف برق» و «تقاضای ما از مشترکین» نوشته است:

«روزنامه برق در دهم شهریور ماه توقیف شد و توقیف آن قریب سه ماه طول کشید و در این مدت خسارات زیادی به اساس کار ما وارد شد. چرا و به چه علت روزنامه را توقیف کرده و در تعطیل آن اصرار ورزیدند ما نمی‌دانیم. شکایت به که و به کجا ببریم و جبران خسارت خود را

بخواهیم آن را نیز نمی‌دانیم. البته در مملکتی که جزای خیانت پاداش و مستمری و سزای دزدی منصب و مقام است آنان که حقایق را بی‌پرده می‌گویند و می‌نویسند باید منتظر مشیت و تو دهنی باشند و پیه توقیف را به تن بمالند.

در هر حال دوستان ما می‌دانند که مخارج روزنامه برق از تکفروشی و وجوه اشتراک و بهای آگهی‌ها اداره می‌شود و چون تقریباً تمام مشترکین برق از دوستان این روزنامه و کارکنان آن هستند از آنان تقاضا داریم وجوه اشتراک را به هر نحوی می‌توانند به دفتر اداره تسلیم فرمایند زیرا در سه ماهی که برق انتشار یافت. مطالعه وجوه اشتراک به وسیله تحصیل‌دار برای ما حاصلی نداشت جز حقوقی که به تحصیل‌دار دادیم...<sup>۱</sup>

داستان توقیف‌های روزنامه برق را در لا به لای بر جای مانده‌های آن روزگار می‌توان یافت. بنابر اسناد موجود در اردیبهشت ۱۳۲۲ سرتیپ کیکاووسی فرماندار نظامی تهران در نامه‌ای به اداره کل تبلیغات وزارت فرهنگ اعلام کرده است که «۲۵ نشریه و از جمله روزنامه برق در اردیبهشت ۱۳۲۲ توقیف شد» و یا در ۱۰ شهریور ۱۳۲۲ سرتیپ عمیدی فرماندار نظامی تهران در نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشته است که «به استناد دستور تلفنی مقامات عالی و موافقت مقام نخست‌وزیری» ۲۲ نشریه و از جمله برق به سبب «تنقید از مقامات خارجی و دولت» توقیف شده‌اند و تحت تعقیب دادرسی نظامی قرار گرفته‌اند. اما مصاحب با وجود همه تهدیدها و توقیف‌ها از پای ننشسته و به کار خود ادامه داده است. فوق‌العاده برق درباره «سرنوشت اموال رضاخان» و «صلح‌نامه رضاخان» که تاریخ شنبه ۷ مرداد ۱۳۲۳ را دارد، نمونه‌ای از سرسختی‌های مصاحب روزنامه‌نگار در آن عهد است.

۵ تیر ۱۳۲۵ سرهنگ مظفری در نامه‌ای «محرمانه - فوری» به احمد قوام نخست‌وزیر گزارش داده است که «برحسب نامه شماره ۳۵ مورخه ۲۵/۴/۴ معاون سیاسی آن جناب از انتشار روزنامه برق جلوگیری به عمل آمد».

در ۳ تیر ۱۳۲۶ سرتیپ صفاری رئیس شهربانی کل کشور به احمد قوام نخست‌وزیر نوشته است که «با ملغی شدن حکومت نظامی تهران مدیران ۳۶ روزنامه و از جمله برق مبادرت به انتشار جراید خود کرده‌اند».

به دنبال این نامه، احمد قوام نخست‌وزیر اعلامیه‌ای انتشار داد و متذکر شد که «در اثر لغو حکومت نظامی بعضی از مطبوعات به نشر و جعل اکاذیب و اهانت به شخصیت‌ها پرداخته و به انتشار مقالات محرک و فسادانگیز در امر حکومت و مملکت اخلال می‌کنند. طبق تصویب‌نامه







هیأت دولت از تاریخ ۱۷ تیر ماه مقررات حکومت نظامی در تهران به اجرا گذارده خواهد شد». به دنبال صدور این اعلامیه سرتیب مظفری فرماندار نظامی تهران شد. احمد قوام دستور تعقیب شماری از روزنامه‌نگاران را به دادگستری داد و بسیاری از روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها توقیف شدند. گروهی از مدیران و سردبیران را بازداشت کردند و عده‌ای را نتوانستند دستگیر کنند. موج بگیر و ببند به جایی رسید که محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز طی مقاله شدیداللحنی برای اعدام احمد قوام نخست‌وزیر یک میلیون ریال جایزه تعیین کرد و متواری شد. دیری نپایید که در آذر همان سال دولت قوام سقوط کرد و در دی ماه مقررات حکومت نظامی لغو شد و محمد مسعود در بهمن ماه به ضرب گلوله در مقابل چاپخانه مظاهری واقع در خیابان اکباتان تهران به قتل رسید.

مجموع این حوادث و ممانعت و مخالفت دستگاه حاکمه با انتشار پاره‌ای از نشریه‌ها سبب شد که عده‌ای عطای جرفه روزنامه‌نگاری را به لقایش ببخشند. غلامحسین مصاحب با هوش سرشار خود پیش از این رویدادها با جهان روزنامه‌نگاری ایرانی وداع کرد و به منظور ادامه تحصیل رهسپار اروپا شد و جهان دیگری برای خود رقم زد.



فروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

انتشارات طرح نو منتشر کرده است:

**حکیم رازی**

حکمت طبیعی و نظام فلسفی محمدبن زکریای صیرفی

تألیف

پرویز سپیتمان (انکابی)

فروشگاه طرح نو: خیابان خرمشهر (آبادان) - خیابان نوبخت شماره ۳۶ تلفن: ۸۵۰۰۱۸۳